

تحلیل گفتمان انتقادی کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی بر اساس چارچوب تحلیلی ون دایک و ون لیوون

ناصر رشیدی*

اصمغان سعیدی**

چکیده

انتخاب کتاب درسی مناسب نقش بسزایی در فرایند آموزش زبان به‌ویژه آموزش زبان دوم دارد. برای انتخاب کتاب درسی می‌توان به شیوه‌های مختلفی اقدام کرد. در این میان رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در سال‌های اخیر بسیار مورد استفاده تحلیل‌گران قرار گرفته است. در این روش به بررسی متون آموزشی پرداخته می‌شود تا دست‌اندرکاران امر آموزش در دست‌یابی به ایدئولوژی‌های استفاده شده در این کتاب‌ها بهتر یاری شوند. پژوهش حاضر نیز، در همین راستا، جلد دوم کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق با استفاده از چارچوب ون لیوون (۱۹۹۶) - با کمی تغییر، که در مقاله یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) لحاظ شده است - و چارچوب ون دایک (۲۰۰۳) سعی شده است تا ایدئولوژی‌های موجود در متن‌های انتخاب شده به روشنی نشان داده شوند. به همین منظور با استفاده از این چارچوب‌ها ساختارهای گفتمان‌مدار در این کتاب مشخص شدند. از میان این ساختارها نویسنده بیشترین استفاده را از میزان جزئیات و سطح توصیف کرده که متعلق به چارچوب ون دایک است. علت این

* دانشیار دانشگاه شیراز (nrashidi@rose.shirazu.ac.ir)

** کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (asmaansaedi@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۹

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۰۰-۱۲۶

فراوانی را می‌توان در این نکته یافت که کتاب حاضر برای زبان‌آموزان مبتدی تهیه و تدوین شده است و به همین علت نویسنده تلاش کرده است تا از پیچیدگی‌ها و پنهان‌سازی‌ها پرهیز کند و تا حد امکان از جملاتی استفاده کند که دارای جزئیات و توصیفات مورد نظر باشند.

کلید واژه‌ها

تحلیل انتقادی گفتمان، ایدئولوژی، پنهان‌سازی، چارچوب ون لیوون و ون دایک، کتاب آموزشی، فارسی امروز برای دانشجویان خارجی

مقدمه

عبارت تحلیل انتقادی گفتمان، سه واژه کلیدی را به ذهن خواننده متبادر می‌کند: تحلیل، گفتمان و انتقاد. در این مقدمه سعی می‌شود هر کدام از این کلمات به اختصار مورد بررسی قرار گیرند تا معنای عبارت تحلیل انتقادی گفتمان تا حد امکان روشن‌تر شود.

شاه‌سنی (۱۳۸۶) درباره واژه گفتمان در فارسی به نقل از قنبری این‌گونه توضیح می‌دهد که محققان و زبان‌شناسان ایرانی واژگان و اصطلاحات گوناگونی را برای بیان معنای کلمه discourse برگزیده‌اند. حق‌شناس از اصطلاح مقال، شمس از واژه کلام و لطفی‌پور ساعدی از کلمه سخن استفاده کرده‌اند. در این میان یارمحمدی اصطلاح گفتمان را پیشنهاد می‌کند که به نظر می‌رسد مناسب‌ترین معادل برای این واژه باشد و امروزه نیز در بیشتر متون از این واژه استفاده می‌شود.

عضدانلو (۱۳۸۰) بحث در مورد تحلیل گفتمان را این‌گونه آغاز می‌کند که ریشه مفهوم discourse را می‌توان در فعل یونانی discourse به معنی حرکت سریع در جهات مختلف (dis = در جهات مختلف، currere = دویدن یا سریع حرکت کردن) یافت. اگرچه این مفهوم به معنای تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به کار برده می‌شود، ولی همان‌طور که از ریشه آن پیداست بر زبان به عنوان حرکت و عمل تأکید شده است. به عبارت دیگر، کلمات و مفاهیم که اجزاء تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، ثابت نبوده، در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون ارتباطات آن‌ها دگرگون شده، معانی متفاوتی را نشان می‌دهند. دگرگونی این ارتباط خود به علت دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است. از آنجا که این شرایط ثابت و پایدار نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح‌دهنده این شرایط است نمی‌تواند ثابت باقی بماند.

به عقیده جان استون (۲۰۰۸) گفتمان در واقع مصادیق بالفعل کنش ارتباطی از طریق رسانه زبان است. طبق این تعریف، نقش زبان در گفتمان برجسته می‌شود. پس زبان با همان قواعد و اصول، بخشی از گفتمان است و وقتی سخن از تحلیل گفتمان به میان می‌آید، منظور صرفاً تحلیل این قواعد و اصول کلی نیست، بلکه نکته مهم در تحلیل گفتمان این است که وقتی به طور عملی و عینی از این زبان استفاده می‌کنیم چه اتفاقاتی می‌افتد. پس در هنگام تحلیل گفتمان، دانش زبانی مد نظر نیست؛ آنچه مهم است اتفاق‌ها، آثار و تغییراتی است که پس از استفاده عملی از زبان رخ می‌دهد.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۵) معتقد است هدف از تجزیه و تحلیل یک فرایند، حتماً کشف معانی پیچیده و غیر عادی موجود در متن نیست، بلکه ابهام‌زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرایندهای مربوط به تولید و درک است که به تحلیل‌گر قدرت تشخیص ایدئولوژی موجود در زبان و معرفی آن به دیگران را بدهد. در نتیجه تحلیل گفتمان ابزاری است که خواننده و شنونده را در دست یافتن به ایدئولوژی متن یاری می‌رساند.

فر کلاف^۱ (۱۹۹۲) تحلیل گفتمان را ابزاری برای تجزیه و تحلیل متن می‌داند، که این تجزیه و تحلیل را می‌توان در علوم و حوزه‌های مختلف به کار برد. یکی از این حوزه‌ها، حوزه آموزش است که با تکیه بر تحلیل گفتمان می‌توان راه‌های پیشرفت در آموزش را بهتر و روشن‌تر مشخص کرد.

در ادامه و توضیح قسمت تحلیل، جان استون (۲۰۰۸) تحلیل را شامل دو فرایند مهم می‌داند: الف) تجزیه عناصر متن به بخش‌های مختلف و ب) نگاه به متن از زوایای گوناگون؛ یعنی هنگامی که سخن از تحلیل است، تحلیل‌گر می‌تواند با شکستن اجزاء متن، به ایدئولوژی آن‌ها پی برده، آن‌ها را از زوایای مختلف بررسی کند.

در بحث تحلیل گفتمان انتقادی، جوکار (۱۳۹۱) به نقل از یارمحمدی (۱۳۸۳) این نکته را بیان می‌کند که تحلیل گفتمان انتقادی گونه‌ای از تحلیل گفتمان است که استفاده غیر قانونی از قدرت، برتری و نابرابری موجود در بافت سیاسی و اجتماعی از طریق گفتار و نوشتار را مطالعه می‌کند. قاسم‌زاده و گرجی (۱۳۹۰) در مقاله خود تحلیل گفتمان انتقادی را عبارت از انتقال مفهوم ساختار از سطح جمله و روابط دستوری چون فعل، فاعل و مفعول به سطح متن بزرگ‌تر می‌دانند. جان استون (۲۰۰۸) هدف تحلیل گفتمان انتقادی را روش‌های آشکارسازی درهم‌تنیدگی‌های ایدئولوژی و گفتمان می‌داند، یعنی هدف

1. Fairclough

تحلیل گفتمان انتقادی این است که راه‌هایی را که ایدئولوژی و گفتمان در هم تنیده می‌شوند روشن سازد. وی معتقد است متن خودش ایدئولوژی نیست بلکه ابزاری است برای بیان ایدئولوژی. ایدئولوژی‌ها در حقیقت نظامی از باورها و عقایدند که با انتخاب زبانی، یعنی انتخاب مناسب کلمات، قواعد و ساختارها در هنگام تولید گفتمان، تولید و نشر می‌شوند.

بنابراین، زبانی که گوینده یا نویسنده از آن استفاده می‌کند ابزاری است برای بیان ایده‌ها و عقاید آن شخص و تحلیل‌گر انتقادی گفتمان نیز با شکستن اجزاء زبانی سعی در دست یافتن به ایدئولوژی‌های پنهان شده در متن دارد. در این مقاله سعی شده است، بخش‌هایی از کتاب دوم فارسی امروز برای دانش‌جویان خارجی، بررسی شود تا ایدئولوژی‌های پنهان شده در قسمت‌های منتخب تا حد امکان روشن شوند.

هدف تحقیق

از آنجا که فراگیران زبان فارسی در جهان روز به روز در حال افزایش‌اند، و در بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای همسایه این تمایل به خوبی مشاهده می‌شود، لازم است مؤلفان و دست‌اندرکاران تهیه و تدوین متون درسی با تلاش روزافزون خود پاسخ‌گوی داوطلبان یادگیری زبان فارسی باشند. از این‌رو، مؤلفان باید سعی کنند کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان را به گونه‌ای طراحی و تدوین کنند تا فراگیران را به یادگیری زبان فارسی تشویق کنند. در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان، کتاب فارسی امروز برای دانش‌جویان خارجی - کتاب دوم (فارسی دلی‌دیر) جلد دوم - اثر دکتر مؤید شیرازی، بررسی و مشخص شود که این کتاب چه ویژگی‌هایی دارد و آیا می‌تواند وسیله مناسبی برای یادگیرندگان زبان فارسی باشد.

پرسش‌های تحقیق

در این پژوهش سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

۱. آیا کتاب حاضر توانسته است پاسخگوی نیاز یادگیرندگان باشد؟
۲. از چه مهارت‌هایی در این کتاب بیشتر استفاده شده است؟
۳. این کتاب بیشتر چه مؤلفه‌هایی از تحلیل انتقادی (الگوی ون دایک و ون لیوون)

دارد؟

۴. آیا کتاب حاضر ایدئولوژی خاصی را دنبال می‌کند؟

اهمیت تحقیق

همان‌طور که اشاره شد، از آنجا که زبان و ادبیات فارسی در بسیاری از کشورها طرف‌داران خود را دارد، انتخاب مناسب کتاب برای این افراد اهمیت فراوانی دارد. این مقاله نیز در همین راستا می‌کوشد تا با سنجیدن کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی متناسب بودن آن را با اهداف آموزشی بسنجد.

پیشینه

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که بسیاری از افراد درصدد بودند تا ایدئولوژی‌های حوزه‌های مختلف زندگی را بکاوند و ابعاد وسیع این ایدئولوژی‌های پنهان شده را آشکار سازند. جان استون (۲۰۰۸ به نقل از شرزور، ۱۹۸۷) به بیان این نکته می‌پردازد که ایدئولوژی‌ها اغلب به شکل گریزناپذیری گزینشی و به صورت بالقوه گمراه‌کننده‌اند؛ از این رو، ایدئولوژی‌ها ابزار بسیار کارآمدی در دست صاحبان قدرت‌اند تا بتوانند افکار و عقاید خود را همان‌طور که می‌خواهند بر مردم عرضه کنند. در ادامه جان استون یکی از اهداف تحلیل گفتمان انتقادی را سیاسی می‌داند.

بر مبنای این هدف بسیاری از افراد دست به تحلیل گفتمان انتقادی زده‌اند. پژوهشگران در این حوزه گاه به بررسی متون جراید پرداخته‌اند و سرمقاله‌های روزنامه‌های مختلف را بررسی کرده‌اند تا بتوانند به ایدئولوژی‌های پنهان شده در این متون برسند و دیدگاه نویسندگان را نسبت به موضوعات مطرح شده به صورت آشکار بیان کنند (فرکلاف، ۱۹۸۹؛ یارمحمدی و رشیدی، ۱۳۸۲؛ ایزدی و سقایی بی‌ریا، ۲۰۰۷؛ معتمدنژاد و مهدی‌زاده تالشی، ۱۳۸۵؛ و بهاتیا، ۲۰۰۶) و گاه به بررسی این متون پرداخته‌اند تا به مقایسه مؤلفه‌های موجود در تحلیل گفتمان انتقادی بپردازند. حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴) در مقاله خود مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی و نمودهای زبان‌شناختی را مقایسه کرده، به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در متون فارسی در مقایسه با نمودهای زبان‌شناختی بیشتر قابل‌بازیابی‌اند و تصویری روشن‌تر از متن ارائه می‌دهند.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که محققان به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند، حوزه ادبیات است. در این حوزه برخی از محققان به تحلیل آثار شاعرانی مانند مولانا و خیام می‌پردازند تا هنر سخن این شاعران را به روشنی نشان دهند یا به بررسی تحولات فکری این شاعران در خلال آثارشان می‌پردازند (یارمحمدی و رشیدی، ۲۰۱۳؛ فتوحی و وفایی،

۱۳۸۷). برخی دیگر، اشعار بهار را در چارچوب‌های مختلف تحلیل گفتمان انتقادی مانند چارچوب فرکلاف و ون‌لیوون بررسی کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۹؛ جوکار، ۱۳۹۱). در ادامه بررسی آثار شعرا، صالحی و نیکویخت (۱۳۹۱) در مقاله خود بر اساس چارچوب فرکلاف در سه سطح توصیف، توضیح و تفسیر و تبیین، واژه‌گزینی قیصر امین‌پور در شعرهایش را بررسی می‌کنند.

در قسمت داستان و رمان، یارمحمدی، یمینی و قنبری (۱۳۸۹) به مقایسه داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان می‌پردازند. نویسندگان در این تحقیق به بررسی، تعیین و مقایسه ارتباط میان ساختارهای گفتمان‌مدار زبان و ساختارهای دیدگاه‌های فکری - اجتماعی نهفته در زبان، در داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان بزرگسالان می‌پردازند. قیادی، آقاگل‌زاده و دسپ (۱۳۸۸) و قاسم‌زاده و گرجی (۱۳۹۰) نیز با استفاده از الگوی فرکلاف به ترتیب رمان‌های سووشون اثر سیمین دانشور و دکترنون زرش را بیشتر از مصدق دوست داشت اثر شهرام رحیمیان را از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده‌اند.

در بررسی کتب، قبل از ورود به بحث تحلیل گفتمان انتقادی، بسیاری از افراد به کار تحلیل محتوا پرداخته‌اند و بر همین اساس می‌توان گفت تحلیل محتوا نسبت به تحلیل انتقادی گفتمان قدمت بیشتری دارد.

امامی (۱۳۷۰) در پژوهش خود با عنوان ادبیات کودکان و فرایند جامعه‌پذیری، نمونه‌ای از کتاب‌های کودکان را که در سال‌های بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۶ به چاپ رسیده بود مورد بررسی محتوایی قرار داد.

در این راستا تحلیل گران، کتب درسی را نیز از دیدگاه محتوایی بررسی کرده‌اند. کاکاجویباری و طاهری (۱۳۷۱) کتاب‌های تعلیمات دینی دوره ابتدایی را بررسی کرده‌اند تا حجم مفاهیم ارزشی این کتاب‌ها را تحلیل کنند. شاه‌سنی (۱۳۸۶) نیز کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی را که محمودی تحلیل کرده، بررسی می‌کند.

تحلیل گران کتب درسی با استفاده از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی برای پیدا کردن ایدئولوژی پنهان شده در این کتب در صدد بر آمدند که به نقد و تحلیل کتاب‌ها بپردازند.

شاه‌سنی (۱۳۸۶) مؤلفه‌های جامعه‌پذیری در کتب دبستان را از نظر تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسیده است که ارزش‌های دینی، آداب و

اخلاق اجتماعی و نقش‌های جنسیتی سنتی درون گفتمان‌های تمامی کتابها، دارای بیشترین فراوانی بودند. همچنین ارزش‌های دینی و سیاسی، قانون و مقررات و نقش‌های جنسیتی سنتی درون گفتمان‌ها پنهان شده بودند و شیوه‌های قومی و تشریفات اجتماعی و ارزش‌های جهانی شدن از گفتمان‌های کتاب‌های فارسی حذف شده بودند. در همین راستا، بحرانی (۱۳۹۰) به تحلیل محتوای کتب درسی دوره راهنمایی تحصیلی از لحاظ کاربرد مفاهیم جمعیتی می‌پردازد. وی به این نکته اشاره می‌کند که کتاب‌های جدید این دوره از صراحت بیشتری در بیان مسائل جمعیتی برخوردارند. کسایی (۱۳۹۱) دو کتاب *اندیشه ۱ و ۲* را که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند بررسی کرده است. وی با استفاده از الگوی ون دایک و ون لیوون از هر کتاب دو بخش را انتخاب و سعی کرده است تا ایدئولوژی‌های پنهان شده به وسیله نویسندگان کتاب‌ها را نشان دهد.

محققان دیگر نیز در راستای تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی کتاب‌های انگلیسی پرداخته‌اند که در ایران تدریس می‌شود. این محققان کتاب‌های مختلفی مانند *Reader's Choice Interchange* و *Top Notch 1* را در چارچوب‌های مختلف بررسی کرده‌اند (صحراگرد و دوات‌گزراده، ۲۰۱۰؛ رشیدی و زارعی، ۱۳۹۱؛ و کوهندانی فرزانه و کاظمی، ۲۰۱۴).

روش تحقیق

داده‌های تحقیق

داده‌های موجود در این تحقیق شامل یازده متن خواندن از کتاب *فارسی امروز برای دانشجویان خارجی*، کتاب دوم، جلد دوم و چاپ ۱۳۷۱، نوشته دکتر مؤید شیرازی است، که بیشترین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را داراست.

از یازده متن انتخاب شده بعضی از آن‌ها دارای عنوان هستند و برای برخی دیگر که عنوان ندارند، یک عنوان انتخابی در نظر گرفته شده است. اطلاعات متون انتخابی به این شرح است: (۱) خواندن درس یک با عنوان ایران (۱). (۲) خواندن درس چهار با عنوان کافه تریای دانشکده. (۳) خواندن درس پنج با عنوان رفتن به مهمانی. (۴) خواندن درس شش با عنوان ایران (۲). (۵) خواندن اول درس هشت با عنوان انتخابی مرد شیاد. (۶) خواندن دوم درس ده با عنوان انتخابی سودمندترین و مضرت‌ترین چیزها. (۷) خواندن دوم درس دوازده با عنوان انتخابی اتحاد. (۸) خواندن درس سیزده با عنوان انتخابی تعطیلات دو روزه.

۹) خواندن اول درس چهارده با عنوان انتخابی مرد طماع. ۱۰) خواندن دوم درس چهارده با عنوان انتخابی وزیر باهوش. و ۱۱) خواندن درس پانزده با عنوان عروسی.

روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

پس از انتخاب متون، سعی شده است تا بیشترین ساختارهای گفتمان‌مدار که اهمیت ایدئولوژی‌های موجود در متن را مشخص می‌کند، استخراج شوند و سپس با استفاده از چارچوب ون دایک (۲۰۰۳) و ون لیوون با کمی تغییر به وسیله یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) تجزیه و تحلیل شده‌اند. علت انتخاب این چارچوب‌ها تنوع و کارآمدی آن‌ها در قبال این متون است.

چارچوب ون دایک

ون دایک در چارچوب تحلیلی خود هشت سطح را معرفی می‌کند (کسایی، ۱۳۹۱: ۲۲). این هشت سطح عبارت‌اند از:

معنی^۱، ساخت گزاره‌ای^۲، ساخت‌های صوری^۳، نحو جمله^۴، صورت‌های گفتمان^۵، استدلال^۶، بلاغت^۷، عمل و عکس‌العمل^۸.

معنی. ون دایک معتقد است که «ایدئولوژی می‌تواند در هر نقطه از گفتمان خود را نشان دهد، اما محتوای این ایدئولوژی خود را مستقیماً در معنی پدیدار می‌سازد» (۲۰۰۳: ۴۴). وی جنبه‌های گوناگونی از معنی را معرفی می‌کند:

۱. عنوان^۹. به عقیده او عنوان‌سازی یا عدم عنوان‌سازی می‌تواند در پوشش یا ارائه معنا نقش داشته باشد. همه این موارد در مشخص کردن معنا کمک می‌کنند.

۲. میزان جزئیات و سطح توصیف^{۱۰}. تولیدکننده گفتمان با انتخاب جزئیات خاص و توصیفات سعی می‌کند تا معنا را به صورت واضح‌تر القا کند.

1. meaning
2. propositional structures
3. formal structures
4. sentence syntax
5. discourse forms
6. argumentation
7. rhetorical structures
8. action and interaction
9. topic
10. manifestation

۳. پیش‌انگاره‌ها و اشاره ضمنی^۱. به نظر ون دایک، تولیدکنندگان گفتمان همیشه آنچه را که در ذهن خود دارند به صورت کامل عیان نمی‌کنند، از این رو، گاهی به صورت ضمنی منظور خود را بیان می‌کنند.

۴. انسجام^۲. شامل انسجام سراسری و انسجام موضعی است. ون دایک بیشتر به انسجام موضعی می‌پردازد. از نظر وی، گفتمان یا پاره گفتمانی انسجام موضعی دارند تا بتوان وضعیتی را متصور شد که در یک سری عمل، ماجرا یا واقعیت به صورت دو طرفه به هم مربوط باشند.

۵. مترادف^۳ و دگرگویی^۴. طبق نظر ون دایک هیچ دو کلمه‌ای وجود ندارد که به طور کامل هم معنی یا متضاد باشند. از این رو کلمات به ظاهر مترادفی وجود دارند که می‌توانند تاثیر متفاوتی در متن داشته باشند.

۶. تقابل^۵. این مؤلفه بیانگر ایدئولوژی‌هایی است که در قالب عبارات متضاد بیان شده‌اند و گروه‌ها را از همدیگر جدا می‌کند.

۷. مثال‌ها و تصاویر. به نظر ون دایک تولیدکنندگان گفتمان در بسیاری از گفتمان‌هایی که تولید می‌کنند برای بیان بهتر معنا و القای شفاف تر آن به دریافت‌کنندگان از مثال‌ها و تصاویر استفاده می‌کنند.

۸. تکذیب^۶. ون دایک معتقد است افراد بسیاری به منظور بی طرف جلوه دادن خود از مؤلفه تکذیب استفاده می‌کنند. این مؤلفه بیشتر در گفتمان‌های همراه با تعصب به کار برده می‌شود.

ساخت گزاره‌ای. در این مؤلفه ون دایک به گزاره‌ها و تقسیم‌بندی سنتی آن‌ها به دو قسمت موضوع و محمول اشاره می‌کند و با توجه به اینکه در تحلیل‌های ایدئولوژی به ساختار گزاره‌ها هم توجه می‌شود، زیرمجموعه‌هایی را در این راستا نام می‌برد، مانند: عاملان^۷، سندیت^۸، وجهیت^۹ و ابهام^{۱۰}.

1. implication
2. coherence
3. synonymy
4. paraphrase
5. contrast
6. disclaimer
7. actors
8. evidentiality
9. modality
10. vagueness

ساخت‌های صوری. ون دایک معتقد است ظاهر جملات و کلمات می‌توانند در دست‌یابی ما به ایدئولوژی کمک کنند. برای مثال تیتز بزرگ شادی شما با قنادهای ما خیلی بیشتر از تیتز عادی ضررهای استفاده بیش از حد از شیرینی جلب توجه می‌کند. نحو جمله. به نظر ون دایک نحو جمله و انتخاب تولیدکننده ایدئولوژی‌های پشت آن را نشان می‌دهد. برای مثال دو جمله پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) دین اسلام را بر جهانیان عرضه کرد و دین اسلام توسط حضرت محمد(ص) بر جهانیان عرضه شد، می‌تواند تاثیر متفاوتی بر دریافت‌کننده داشته باشد.

صورت‌های گفتمان. اینکه تولیدکننده تصمیم بگیرد چه اطلاعاتی را در اول جمله به کار گیرد و از چه اطلاعاتی در مکان‌های دیگر استفاده کند، می‌تواند تأثیر متفاوتی بر دریافت‌کننده بگذارد. به عقیده ون دایک (۲۰۰۳: ۵۵) «جملات حامل گزاره‌ها می‌توانند در ابتدا و انتهای گفتمان بیابند، این ترتیب‌بندی ممکن است با هدف انتقال یک ایدئولوژی خاص باشد».

استدلال. به عقیده ون دایک در هر گفتمان تولیدکننده سعی می‌کند در صحبت‌ها یا نوشته‌های خود با دلایل کافی و محکم پیش برود تا بتواند قدرت و ایدئولوژی خود را نشان بدهد. گرچه این صحبت‌ها و نوشته‌ها به تنهایی نمی‌توانند بیانگر طرز تفکر تولیدکننده باشند.

بلاغت. بلاغت نیز مانند استدلال نمی‌تواند به تنهایی بازگوکننده طرز تفکر باشد، اما می‌توان از آن در شناسایی ایدئولوژی‌ها بهره برد. برای مثال وقتی تولیدکننده برای بیان فوت شخصی از حسن تعبیر استفاده می‌کند و برای بیان فوت شخصی دیگر از این آرایه استفاده نمی‌کند، نشان‌دهنده این نکته است که تولیدکننده سعی کرده است دید خود به نفر دوم را به صورت منفی نشان دهد.

عمل و عکس‌العمل. اگر گفتمانی در شرایط خاص تولید شود، بسته به شرایط تولید آن، دریافت‌کننده گفتمان عکس‌العمل متفاوتی از خود نشان می‌دهد.

چارچوب ون لیوون

در این مقاله از چارچوب ون لیوون (۱۹۹۶) با کمی تغییر استفاده شده است که یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) در مقاله خود از آن بهره برده‌اند.

حذف^۱. حذف مؤلفه‌ای است که نویسنده می‌کوشد با استفاده از آن به پنهان‌سازی

1. exclusion

یا کم‌رنگ‌سازی در متن برسد. «در پنهان‌سازی کارگزار به وسیله خواننده (و گاهی حتی خود نویسنده) قابل‌بازیابی یا بازسازی نیست» (یارمحمدی و سیف، ۱۳۸۳: ۶۸). درحالی‌که در کم‌رنگ‌سازی گرچه کارگزار اجتماعی از گفتمان حذف شده است، اما می‌توان در جای دیگری از متن آن را بازیابی کرد.

اظهار^۱ بقیه مؤلفه‌های نمودار که زیرمجموعه اظهار قرار می‌گیرند به شرح زیرند:

فعال‌سازی^۲ و منفعل‌سازی^۳. فعال‌سازی هنگامی رخ می‌دهد که کارگزاران به عنوان نیروهای فعال بازنمایی می‌شوند و منفعل‌سازی هنگامی رخ می‌دهد که کارگزاران به صورت عوامل تأثیرپذیر نشان داده می‌شوند. این تأثیرپذیری گاه به صورت مستقیم است، مانند «احمد روزنامه را پاره کرد». روزنامه در این جمله منفعل‌سازی تأثیرپذیری مستقیم است. تأثیرپذیری دیگر از نوع غیر مستقیم است، که در این نوع تأثیرپذیری کارگزاران دریافت‌کننده نتیجه عمل هستند. برای مثال،

او در زندگی‌اش با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد.

مشکلات عدیده در اینجا تأثیر غیرمستقیم است.

تشخص‌بخشی^۴ و تشخص‌زدایی^۵. «به کارگزاران اجتماعی می‌توان مشخصه انسانی یا غیر انسانی را داد» (یارمحمدی و سیف، ۱۳۸۳: ۷۰) که طبق نمودار، هر کدام زیرمجموعه‌های خاص خود را دارند.

مشخص‌سازی^۶ و نامشخص‌سازی^۷. مشخص‌سازی هنگامی رخ می‌دهد که هویت کارگزاران به صورت مشخص و روشن شناخته می‌شود. درحالی‌که در نامشخص‌سازی این امر برعکس است. مشخص‌سازی به دو قسمت مشخص‌سازی تک‌موردی^۸ و چندموردی^۹ تقسیم می‌شود. در مشخص‌سازی تک‌موردی «کارگزاران اجتماعی در آن واحد در یک عمل و یا نقش اجتماعی شرکت دارند» (یارمحمدی و سیف، ۱۳۸۳: ۷۰). مشخص‌سازی چندموردی خود به انواع زیر تقسیم می‌شود:

1. inclusion
2. activation
3. passivation
4. personalization
5. impersonalization
6. determination
7. indetermination
8. single determination
9. over determination

- وارونگی^۱: که به دو طبقه زمان درهمی^۲ و هویت درهمی^۳ تقسیم می شود. در نوع اول کارگزار با دو نقش متضاد بازنمایی می شود که یکی شخصیتی مربوط به گذشته و دیگری شخصیتی مربوط به حال است. در نوع دوم دو نقش، با هم همخوانی ندارند.

- نمادین شدگی^۴: در این نوع مشخص سازی چندموردی، کارگزاران خیالی یا اسطوره‌ای به جای کارگزاران واقعی قرار می گیرند.

- دلالت ضمنی کردن^۵: در این حالت ممکن است کارگزار مورد نظر، نقش دیگری را به صورت ضمنی ایفا کند.

- فشرده شدگی^۶: در این مورد از چند ویژگی با هم برای بیان صفت کارگزاران استفاده می شود.

تشخیص زدایی. در این مؤلفه کارگزاران به صورت غیرانسان ظاهر می شوند و به دو زیر مجموعه انتزاعی کردن^۷ و عینی کردن^۸ تقسیم می شوند. در انتزاعی کردن صفت یا کیفیتی برای کارگزاران انتخاب می شود؛ برای مثال، در جمله کار داوطلبانه محمد مردم را شگفت زده کرد. در عینی کردن کارگزاران یا با مکان و ابزاری که با فعالیت آنان ارتباط دارد یا به وسیله گفته و یا با اشاره به اندام آنها نشان داده می شوند که به ترتیب مکان‌مداری^۹، ابزارمداری^{۱۰}، گفته‌مداری^{۱۱} و اندام‌مداری^{۱۲} نامیده می شوند.

پیوندزدن^{۱۳} و پیوندزدایی^{۱۴}. در پیوندزدن کارگزاران اجتماعی در نکته‌ای با هم وحدت نظر دارند، یعنی در پیوند با هم‌اند، درحالی که در پیوندزدایی خلاف این امر دیده می شود.

1. inversion
2. anachronism
3. deviation
4. symbolization
5. connotation
6. distillation
7. abstraction
8. objectiviation
9. spatialization
10. instrumentalization
11. utterance autonomization
12. somatization
13. association
14. dissociation

تفکیک کردن^۱ و تفکیک نکردن^۲. در این مؤلفه، نویسنده با صراحت موجودیتی را از سایر موجودیت‌ها جدا می‌کند تا نقش آن را به صورت مشخص به مخاطبان خود نشان دهد. نام‌دهی^۳ و طبقه‌بندی کردن^۴. در این مؤلفه نویسنده در شرایط متفاوت کارگزاران را به صورت‌های گوناگون معرفی می‌کند. در نام‌دهی بسته به شرایط موجود در بافت نویسنده از حالت‌های رسمی^۵، غیر رسمی^۶، نیمه رسمی^۷، عنوان‌دهی^۸ یا عنوان‌زدایی^۹ استفاده می‌کند. در طبقه‌بندی گاهی به کارگزاران نقش، هویت و یا ارزش خاصی داده می‌شود.

جنس ارجاعی^{۱۰} و نوع ارجاعی^{۱۱} نوع ارجاعی خود شامل دو زیر مجموعه است که در یکی از آن‌ها به صورت فردی به کارگزار نگاه می‌شود: فرد ارجاعی^{۱۲} و در نوع دوم به صورت گروهی: گروه ارجاعی^{۱۳}. در نوع دوم اگر گروه مورد نظر به صورت کلی مورد بحث باشد کلی ارجاعی^{۱۴} نامیده می‌شود و اگر به صورت اعداد و ارقام از آن‌ها استفاده شود، مجموعه ارجاعی^{۱۵} نامیده می‌شود.

نتایج و تحلیل

به علت اینکه متن‌های انتخاب شده اکثراً یک چارچوب کلی دارند و ایدئولوژی کلی آنها حول یک محور است، و از آنجا که در این مقاله امکان بحث ایدئولوژی‌ها به صورت تک‌تک وجود ندارد، سعی شده است تا ایدئولوژی‌های یکسان با هم به صورت کلی بیان شوند و سپس مؤلفه‌هایی که بیان‌کننده این ایدئولوژی‌ها هستند با مثال توضیح داده شوند. از هر مؤلفه چند مثال از متن‌های موجود انتخاب شده است.

1. differentiation
2. indifferentiation
3. nomination
4. categorization
5. formalization
6. informalization
7. semi-formalization
8. titillation
9. detitulation
10. genericization
11. specification
12. individualization
13. assimilation
14. collectivization
15. aggregation

ایدئولوژی اول

آشکارترین موردی که نویسنده سعی کرده است آن را در متون گوناگون نشان دهد، اشاره به فرهنگ ایرانی در موقعیت‌های متفاوت است. وی سعی کرده است با تکیه بر فرهنگ ایرانی جنبه‌های مختلف این فرهنگ را بر مخاطبان خود عرضه کند. در اولین متن، نویسنده به معرفی کشور ایران می‌پردازد تا از این طریق مخاطب خود را با موقعیت جغرافیایی کشوری آشنا کند که سعی دارد زبان آن را بیاموزد. در متون بعدی نویسنده در راستای معرفی بیشتر فرهنگ ایرانی، سعی می‌کند تا فرهنگ ملاقات با آشنایان را نشان دهد و همچنین با معرفی مکان‌هایی که برای دیدار استفاده می‌شود، هدف و منظور خاصی را دنبال می‌کند که همان نشان دادن فرهنگ ایرانیان در روابط بینافردی است. در ادامه نویسنده تلاش کرده است تا فرهنگ مهمانی رفتن دانشجویان ایرانی را به عنوان نماینده‌ای از کل مردم ایران، به خوانندگان عرضه کند. در این متن این نکته حائز اهمیت است که دانشجویان ایرانی از طرف یک فرد خارجی به نام الیزابت دعوت شده‌اند. می‌توان این گونه برداشت کرد که نویسنده خواسته است با این نوع انتخاب روابط بین دو گروه ایرانی و خارجی را خوب نشان دهد. در ادامه آشنا کردن زبان آموزان با زبان و فرهنگ فارسی، نویسنده این بار می‌کوشد حقایقی را درباره ایران بیان کند تا یادگیرندگان با ریشه تاریخی - فرهنگی جامعه زمان خود آشنا شوند. از این رو به توصیف و توضیح دین، حکومت، پرچم و نفت ایران می‌پردازد. نویسنده در یکی از این متون سعی می‌کند خوانندگان را با مناسبات و تعطیلات ایران و همچنین رفت‌وآمدها و مکان‌های دیدنی ایران آشنا سازد. برای رسیدن به این هدف نویسنده نمونه‌ای از عروسی ایرانی را به خوانندگان معرفی می‌کند تا آنان را با آداب و رسوم ایرانیان در عروسی آشنا کند.

مؤلفه اول: تفکیک سازی^۱

- ایران درخشان‌ترین تمدن‌ها را دارد (۳).

نویسنده در این جمله «تمدن» ایران را از بقیه کشورها تفکیک می‌کند تا اهمیت تمدن ایران را به مخاطبان خود نشان دهد.

- دو فنجان چای و کمی بیسکویت جلو آنها بود (۴۴).

۱. برای پرهیز از اطناب از ذکر نام و مشخصات نشر کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی خودداری و به ذکر شماره صفحات داخل پراتز بسنده شده است.

این نوع تفکیک‌سازی برای مشخص کردن فرهنگ چای نوشیدن و جدا کردن نوشیدنی ایرانی از سایر نوشیدنی‌ها انتخاب شده است.

- الیزابت به اتاق ناهارخوری می‌رود و یک ظرف آجیل از روی میز ناهارخوری برمی‌دارد و به اتاق پذیرایی می‌آورد (۵۸).

نویسنده با انتخاب «ظرف آجیل» و تفکیک کردن آن از سایر وسایل پذیرایی سعی کرده است یادگیرندگان را با وسایلی آشنا کند که در مهمانی ایرانی‌ها استفاده می‌شود.

مؤلفه دوم: نام‌دهی

- شیرین و سیاوش سر یک میز با هم حرف می‌زدند (۴۴).

نویسنده در این جمله از مؤلفه نام‌دهی غیر رسمی کرده است تا با انتخاب این نوع نام‌دهی روابط بین فردی و صمیمیت بین افراد را نشان دهد.

- سیاوش: الیزابت خانم چیزی می‌خورید؟ (۴۵)

در این مثال، نویسنده برای نشان دادن احترام و همچنین نشان دادن آشنایی بین دو طرف مکالمه، از مؤلفه نام‌دهی غیر رسمی استفاده کرده است.

- استاد باستان‌شناسی به آن‌ها گفته بود که اصفهان یک شهر قدیمی است و آثار بسیار جالبی دارد (۱۷۳).

نویسنده کوشیده است احترام دانشجویان به استاد خود و علاوه بر آن اهمیت و مقام استاد را به خوانندگان نشان دهد.

مؤلفه سوم: گروه ارجاعی

- دین ایرانی‌ها پیش از حمله اعراب به ایران، زرتشتی بود (۷۱).

نویسنده با استفاده از عبارت «دین ایرانی‌ها» سعی کرده است تا با قرار دادن کلی ایرانیان در یک گروه اعتقادات آنان را به صورت کلی نشان دهد.

- همه ساکت شدند و به موسیقی [ایرانی] گوش دادند (۱۷۴).

نویسنده برای نشان دادن علاقه کلی حضار از کلی ارجاعی که یکی از زیرمجموعه‌های گروه ارجاعی است، استفاده کرده است.

- همه [مهمان‌ها] خوشحال بودند (۲۰۵).

نویسنده سعی کرده است تا فضای شاد عروسی را به خوبی و با استفاده از کلی ارجاعی نشان دهد.

مؤلفه چهارم: اشاره ضمنی

- سیاوش جعبه را [از شیرین] گرفت و شیرینی‌ها را به دانشجویها و مسافره‌های دیگر و راننده تعارف کرد (۱۷۴).
نویسنده به صورت ضمنی به نقش پررنگ مرد در جامعه ایران اشاره می‌کند.
- سروس ماشینش را پارک کرد، دسته گل را برداشت، در ماشین را قفل کرد و با منیژه وارد باشگاه شد (۲۰۵).
در این مثال نیز نویسنده به صورت ضمنی به نقش مهم مرد و مسئولیت‌پذیری او اشاره می‌کند.

مؤلفه پنجم: عنوان‌دهی

- یک دختر دانشجو به او گفت که آن‌ها در چای‌خانه دانشکده هستند (۴۴).
نویسنده با انتخاب عنوان «چای‌خانه»، سعی کرده است تا این معنا را به ذهن یادگیرندگان خود القا کند که در دانشگاه‌های ایران به جای اصطلاحات مشابه قهوه‌خانه و کافی‌شاپ، برای نشان دادن بارز فرهنگ ایرانی از این کلمه استفاده می‌شود.
- حقایقی در مورد ایران (۷۱)
نویسنده با برگزیدن این عنوان برای متن خواندن به صورت واضح خوانندگان را در دریافت معنای کلی متن یاری می‌رساند.

مؤلفه ششم: میزان جزئیات و سطح توصیف

- مساحت ایران ۱۰۰۰۶۴۸ کیلومتر مربع است و جمعیت زیاد ۷۰۰۰۰۰۰۰ نفر را دارد (۳).
نویسنده با استفاده از جزئیات و آوردن اعداد و ارقام به صورت کامل می‌خواهد تا آنجا که امکان دارد، مطلب مورد نظر را به صورت دقیق توضیح دهد.
- پیراهن سرخ قشنگی هست با یقه بسته و آستین بلند (۵۷).
نویسنده با انتخاب صفاتی چون «سرخ» و «قشنگ» برای لباس و همچنین صفت

«بسته» برای «یقه» و «بلند» برای «آستین» به صورت دقیق به توصیف لباسی مناسب برای مهمانی می‌پردازد که به فرهنگ اسلامی - ایرانی نیز اشاره می‌کند.

ایدئولوژی دوم

نویسنده تلاش کرده است تا با انتخاب متن‌هایی برگزیده ضمن آشنا کردن خوانندگان با حکایات و ضرب‌المثل‌های ایرانی، درس‌های اخلاقی را نیز در قالب این حکایات بیاموزند. وی سعی کرده است تا فراگیران را با عکس‌العمل‌های انسان‌های بی‌علم و ساده‌لوح نسبت به وقایع اطرافشان نشان دهد. او می‌خواهد با بهره‌گیری از این حکایات به برخی از افراد که به دلیل نداشتن علم و دانش به راحتی فریب دیگران را می‌خورند اهمیت خرد و دانش را نشان می‌دهد.

مؤلفه اول: میزان جزئیات و سطح توصیف

- مرد شیادی به دهی رفت که مردم آن بی‌سواد بودند (۹۵).
نویسنده با استفاده از صفت منفی «شیاد»، ذهن خواننده را در مورد این مرد به سمت منفی می‌کشاند و سعی می‌کند تا ویژگی او را به صورت مشخص به خواننده معرفی کند.
- دانشمند کاغذی از جیب خود بیرون آورد و روی آن کلمه مار را نوشت (۹۶).
نویسنده در این جمله با استفاده از کلماتی مانند «کاغذ» و «نوشتن» نشان داده است که دانشمند ابزار علم و دانش را به همراه دارد. وی با بهره‌گیری از جزئیات به خوبی دست به معرفی دانشمند زده است.

مؤلفه دوم: گروه ارجاعی

- مردم فکر می‌کردند که او خیلی دانشمند است (۹۵).
نویسنده با انتخاب مؤلفه مجموعه ارجاعی برای مردم، بر آن شده است تا فکر اشتباه و قضاوت ظاهری آنان را در مورد مرد شیاد نشان دهد.
- بزرگمهر گفت: امروز آن چند نفر از من سحرخیزتر بودند و آن‌ها موفق شدند (۱۹۰).

در این جمله نویسنده از مؤلفه مجموعه ارجاعی استفاده کرده است.

مؤلفه سوم: اشاره تلویحی

- مرد شاید پیش یک یک دهاتی‌ها رفت و به آن‌ها گفت این مرد [دانشمند] چیزی نمی‌داند (۹۶).

نویسنده به صورت تلویحی به این نکته اشاره دارد که افراد بی‌سواد و دهاتی به راحتی و بدون تحقیق، حرف افراد دیگر را باور می‌کنند.
- هر روز صبح که بزرگمهر برای دیدن پادشاه به کاخ می‌رفت، به انوشیروان می‌گفت: «سحر خیز باش تا موفق باشی» (۱۸۹).
نویسنده در این جمله به صورت تلویحی مقام وزیر را از پادشاه بالاتر نشان داده است؛ زیرا تولیدکننده این سخن حکیمانه وزیر دربار است، نه پادشاه.

ایدئولوژی سوم

نویسنده در حکایتی سعی کرده است به خوانندگان خود نشان دهد که گاهی اوقات یک موجود می‌تواند بهترین و در عین حال بدترین موجود باشد. انسان باید بتواند این دانش را کسب کند که چگونه از ابزار استفاده کند تا همیشه بهترین باشد. خوبی و بدی در هر موجودی نهفته است؛ یعنی هر چیزی می‌تواند هم خوبی را در خود داشته باشد و هم بدی را.

مؤلفه اول: میزان جزئیات و سطح توصیف

- مردی نوکری داشت که خیلی عاقل بود (۱۲۸).
در این جمله نویسنده با استفاده از صفت «عالی» برای نوکر، سعی کرده است تا بار منفی نوکر بودن را از روی کلمه بردارد.
- [مرد] یک روز به او گفت: «امروز می‌خواهم بهترین غذا را برایم بپزی» (۱۲۸).
انتخاب صفت «بهترین» برای «غذا» این نکته را به ذهن خواننده می‌آورد که حتماً از مواد خاصی در آن غذا استفاده شده که کاملاً مغزی هم است. اما در نهایت خواننده به این نکته پی می‌برد که بدترین و بهترین غذا از یک چیز ساخته می‌شود و آن، نوع نگرش ماست که یک چیز را به عنوان بهترین یا بدترین شیء نشان می‌دهد.

مؤلفه دوم: اشاره ضمنی

- مرد اول تعجب کرد ولی بعد گفت: «درست است، زبان هم بهترین و هم بدترین چیزهاست» (۱۲۸).

نویسنده به طور ضمنی به زبان^۱ اشاره کرده است. او می‌خواهد این نکته را روشن کند که انسان باید با تدبر و تعقل از زبانش استفاده کند؛ زیرا این ابزار که خداوند در اختیار بشر قرار داده است می‌تواند خوبی‌ها را گسترش و بدی‌ها را کاهش دهد، به شرطی که افراد استفاده صحیح از آن را بدانند. یعنی زبان به همان اندازه که می‌تواند ابزار مفیدی باشد می‌تواند به ابزار خطرناکی هم تبدیل شود.

ایدئولوژی چهارم

در ادامه نویسنده کوشیده است تا اهمیت اتحاد را به یادگیرندگان نشان دهد و بگوید رفتار دوستانه و اتحاد می‌تواند بسیاری از مشکلات را از بین ببرد. وی همچنین با بیان حکایتی سعی کرده است تا نشان دهد افراد سطح پایین جامعه به جای سعی و تلاش به خیال‌پردازی می‌پردازند و این امر هیچ پیشرفتی در زندگی آن‌ها ندارد، جز اینکه حرص و طمع را افزایش دهد و پر واضح است حرص و طمع جز ضرر چیزی ندارد.

مؤلفه اول: گروه ارجاعی

- پیرمردی چند پسر داشت (۱۵۷).
نویسنده در این جمله از مجموعه ارجاعی استفاده کرده است و از به کار بردن تعداد پسران به صورت مشخص خودداری کرده است؛ زیرا هدف نویسنده تعداد افراد نیست، بلکه اتحادی است که باید بین آن‌ها باشد.
- پسرها متوجه شدند پدر و مادرشان از دست آن‌ها ناراحت هستند (۱۵۷).
نویسنده با استفاده از مجموعه ارجاعی سعی کرده تا احساس کل یک گروه خاص را نشان بدهد.

مؤلفه دوم: تفکیک کردن و تفکیک نکردن

- پسرهای او با هم خوب نبودند و با هم دوستانه رفتار نمی‌کردند (۱۵۷).
نویسنده با استفاده از مؤلفه تفکیک نکردن سعی کرده است تا همه پسران را در یک درجه قرار دهد و میزان نارضایتی والدیشان را از همگی آنان نشان دهد.
- همه پسرها برای شکستن دسته چوب کوشش کردند (۱۵۷).

نویسنده برای نشان دادن عدم تفاوت بین فرزندان از مؤلفه تفکیک نکردن استفاده کرده است.

مؤلفه سوم: میزان جزئیات و سطح توصیف

- بعد [پیرمرد] خودش دسته چوب را برداشت، ریسمان دور آن را باز کرد چوب‌ها را یکی یکی شکست (۱۵۷).
نویسنده با بیان جزئیات دقیق بر آن شده است تا نشان دهد در همه کارها انسان باید تفکر پیشه سازد.
- مردی دهاتی کوزه‌ای پراز روغن داشت (۱۸۹).
با انتخاب صفت «دهاتی» باری منفی برای کنش گر انتخاب شده است تا خواننده را با این ذهنیت وارد متن کند که این مرد دور از تفکر عمل می‌کند.

مؤلفه چهارم: اشاره ضمنی

- بعد [پیرمرد] خودش دسته چوب را برداشت، ریسمان دور آن را باز کرد چوب‌ها را یکی یکی شکست (۱۵۷).
نویسنده به صورت ضمنی اشاره می‌کند که وقتی انسان‌ها متحد باشند، مثل دسته چوب، شکستن آن‌ها مشکل است، اما وقتی جدا از هم و مانند تکه‌های جداگانه چوب باشند، شکستن آن‌ها بسیار ساده و راحت است. نویسنده در این متن به ضرورت اتحاد و وجود آن می‌پردازد.
- مرد دهاتی در این وقت عصای خود را برداشت و بلند کرد و محکم پایین آورد. عصا به کوزه خورد، کوزه شکست و روغن روی زمین ریخت (۱۸۹).
نویسنده به طور ضمنی به عواقب خیال‌پردازی اشاره می‌کند. وی سعی دارد به مخاطبان خود بگوید که افرادی هستند که وقت خود را با کارهای بیهوده سپری می‌کنند و در آخر هیچ چیزی نصیبشان نمی‌شود.

بحث

در این مقاله یازده متن خواندن از کتاب مورد نظر استخراج شده است، که از لحاظ وجود مؤلفه‌های گفتمان‌مدار براساس چارچوب ون دایک (۲۰۰۳)، و چارچوب ون لیوون (۱۹۹۸)، با تغییراتی انتخاب شده که در مقاله یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳)، لحاظ شده است.

برای فرایندهای پرکاربرد در قسمت قبل مثال‌هایی زده شد. در این قسمت تمام فراوانی‌های موجود در فرایندهای پرکاربرد در تمامی متون به صورت جدولی ارائه می‌شود.

جدول ۱ فراوانی تمام ساختارهای گفتمان‌مدار در متون خواندن

تفکیک کردن ۱۹	تفکیک نکردن ۲
نام‌دهی	۷
گروه ارجاعی	کلی ارجاعی ۱۳ مجموعه ارجاعی ۵
عنوان‌دهی (ون دایک)	۶
میزان جزئیات و سطح توصیف	۳۷
اشاره ضمنی (ون دایک)	۱۱

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود نویسنده از ۱۹ مورد تفکیک کردن استفاده کرده و در مقابل تنها دو مؤلفه گفتمان‌مدار تفکیک‌نکردن در متون یافت شده است. تمامی این تفکیک‌کردن‌ها با هدف مشخص کردن چیزی از دیگری انجام شده است تا خواننده را با موردی که مدنظر نویسنده بوده است بهتر آشنا سازد. برای مثال در جمله‌های «هفته گذشته دانشگاه شیراز دو روز تعطیل بود.» «و» یک روزش تولد حضرت محمد (ص) و یک روزش جمعه.» نویسنده با بهره‌گیری از این مؤلفه گفتارمدار کوشیده است تعطیلات و مناسبت‌ها را به خوانندگان نشان دهد. وی همچنین سعی کرده است اهمیت دین را در مناسبات و فرهنگ ایران نشان دهد و این نکته را برای مخاطبان خارجی خود روشن کند که در ایران روز جمعه به عنوان آخر هفته و تعطیل به حساب می‌آید نه روز یکشنبه. درحالی‌که نویسنده وقتی از مؤلفه تفکیک‌نکردن استفاده کرده است که می‌خواسته نگرش، رفتار یا اعتقادات را به صورت کلی نشان دهد نه به صورت مجزا. برای مثال در جمله «همه مهمانان خوشحال بودند»، نویسنده نیازی به تفکیک کردن و نام‌بردن همه اعضا نداشته چون در یک مراسم عروسی آنچه مهم است نشان‌دادن شادی همگان است. در فرایند نام‌دهی، نویسنده سعی کرده است روابط بینافردي شخصیت‌های متون را نشان دهد. در جمله «استاد باستان‌شناسی به آن‌ها گفته بود که اصفهان یک شهر قدیمی است و آثار تاریخی بسیار جالبی دارد»، نویسنده با این روش نام‌دهی هم شخصیت استاد و هم احترام دانشجویان به او را به صورت برجسته نشان می‌دهد. وی سعی کرده است با استفاده از این مؤلفه در مورد نوع برخورد و تعامل اجتماعی و همچنین ذهنیت‌هایی که در افراد دیگر به وجود می‌آید سخن بگوید.

نویسنده در مجموع ۱۸ مورد از گروه ارجاعی در متون انتخاب شده استفاده کرده است. همان گونه که در جدول مشخص شده ۱۳ مورد به کلی ارجاعی و ۵ مورد به مجموعه ارجاعی مربوط است. در مجموعه ارجاعی نویسنده از ارقام و اعداد برای مشخص کردن کامل گروه مورد بحث استفاده می کند، برای مثال در جمله «۴۵۰۰۰۰۰۰» در شهرها زندگی می کنند»، نویسنده با بیان دقیق عدد و رقم سعی کرده است تا اهمیت زندگی شهری و شلوغی آن را نشان دهد. گاهی هم ممکن است مجموعه ارجاعی به صورت نکره باشد. مثلاً چند شهر بزرگ ایران عبارت اند از: شیراز، تهران، اصفهان و ... در کلی ارجاعی به صورت کلی به گروه مورد نظر اشاره می شود، در جمله «هیچ کدام موفق نشدند»، نویسنده با استفاده از این مؤلفه سعی دارد تا نشان دهد که اجزاء آن گروه اهمیت چندانی برای خواننده ندارند، بلکه مهم فعلی است که آن ها از انجام دادن آن ناتوان اند.

همان طور که مشاهده می شود تعداد عنوان های گفتمان مدار در متون بررسی شده ۶ عدد است. نویسنده با انتخاب عنوان های مناسب، خواننده را در ارائه معنای یاری کرده است. برای مثال با انتخاب عبارت «چای خانه دانشکده» به جای عنوان های رایج مشابه مثل قهوه خانه یا کافی شاپ سعی کرده است تا به خوانندگان خارجی خود نشان دهد که نوشیدنی اصیل در ایران به جای قهوه یا سایر نوشیدنی ها، چای است. وی همچنین سعی کرده است تا با برگزیدن عناوینی از این دست روابط و برخوردهای اجتماعی را چه بین شخصیت های داستان و چه بین حکایات، به خوبی نشان دهد.

میزان جزئیات و سطح توصیف با تعداد سی و هفت عدد پرکاربردترین مؤلفه در این متون به شمار می رود. از آنجا که مخاطبان این کتاب در سطح مبتدی از یادگیری زبان فارسی هستند، نویسنده ترجیح داده است تا آنجا که می تواند موضوعات مورد بحث را برای مخاطبان خود روشن سازد، بنابراین گاه و بی گاه به توضیح جزئیات یا بیان صفاتی پرداخته است که بتواند به خواننده در درک مطلب یاری رساند. برای مثال وقتی از جمله «ساعت پنج عصر پنجشنبه است و شیرین می خواهد خود را برای مهمانی [که ساعت هفت برگزار می شود] آماده کند»، استفاده می کند، با توصیف دقیق ساعت و روز به بیان شفاف این مسئله می پردازد که در ایران روزهای جمعه تعطیلی آخر هفته است و مردم بیشتر برنامه های مهمانی خود را روزهای پنجشنبه یا جمعه برگزار می کنند؛ زیرا عصر پنجشنبه به علت تعطیلی روز آینده، افراد فرصت و فراغت بیشتری دارند تا در کنار هم باشند و از احوال یکدیگر باخبر شوند.

آخرین مؤلفه با عنوان پیش‌انگاره‌ها یا اشاره ضمنی یازده مورد را به خود اختصاص داده است. نویسنده با قصد و نیت‌های مختلف کوشیده است در کنار توضیحات و جزئیات دقیقی که ارائه کرده گاهی به صورت ضمنی نیز بعضی مسائل را بیان کند. برای مثال در جمله «سیاوش پنجاه تومان به راننده می‌دهد»، وقتی از شخصیت مرد استفاده می‌کند، در عین حال که داستان را به جلو می‌برد به طور ضمنی به نقش پررنگ مرد در جامعه ایرانی اشاره می‌کند. وی با این انتخاب سعی کرده است تا شخصیت مرد را پررنگ‌تر جلوه دهد و به صورت ضمنی این موضوع را برای خواننده روشن سازد که در زندگی به سبک ایرانی بار بیشتری بر دوش مرد گذاشته می‌شود. علاوه بر این نوع اشارات، نویسنده سعی دارد تا با بیان جملاتی به طور ضمنی به حکایات و مثل‌های ایرانی نگاهی داشته باشد. برای مثال وقتی در مراسم عروسی، عروس و داماد به دوستان خود می‌گویند: «دست راست ما زیر سر شما باشد»، به صورت ضمنی این موضوع در فرهنگ ایران یعنی ان‌شاءالله به زودی مخاطبان‌شان در این موقعیت خوب قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب حاضر با اینکه در سطح مقدماتی آموزش قرار دارد، با ساختارهایی که دارد توانسته است هدف نویسنده را مبنی بر آشنایی مخاطبان‌ش با فرهنگ و جامعه ایرانی تا حد زیادی برآورده سازد. نویسنده با استفاده از جملاتی ساده تلاش کرده است تا در کنار آموزش زبان فارسی به یادگیرندگان، آن‌ها را با روابط و برخوردهای فرهنگ و تاریخ ایران آشنا کند. در همین راستا وی سعی کرده است تا حد امکان از پنهان‌کاری و پنهان‌سازی مطالب خودداری کند که خود این امر می‌تواند احساس اعتماد بیشتری در خواننده خارجی به وجود آورد و آن‌ها را راضی نگه دارد؛ زیرا به اعتقاد جان استون (۲۰۰۸) تولیدکنندگان گفتمان این امکان را دارند که با استفاده از اصل پنهان‌کاری یک موضوع موجه را غیر موجه جلوه دهند و این امر دریافت‌کننده را در سطح پایین‌تری قرار می‌دهد. رشیدی و زارعی (۱۳۹۱) نیز، در بررسی کتاب *Reader's Choice* براساس چارچوب هاج و کرس میزان پنهان‌کاری و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی را بررسی کرده و عدم جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی در این کتاب را نشان داده‌اند.

از سوی دیگر نویسنده سعی کرده است با انتخاب یک شخصیت خارجی به نام

الیزابت و نشان دادن رابطه دوستانه وی با دانشجویان ایرانی، فضای کتاب را برای دانشجویان خارجی تا حدودی راحت‌تر سازد تا از فضای کاملاً بیگانه دور شوند؛ اما نویسنده جز اشاره کوچکی به شغل او که مغازه‌دار و ساکن شیراز است، اطلاعات دیگری در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. از طرفی ممکن است این گونه قضاوت شود که نویسنده با انتخابی آگاهانه شغل مغازه‌دار را برای این شخصیت انتخاب کرده است تا ذهن مخاطبان خارجی خود را به این سمت و سو سوق دهد که رابطه تجاری کشورهای خارجی و ایران را خوب و در حال پیشرفت نشان دهد.

از آنجا که کتاب حاضر در سال ۱۳۷۱ تألیف شده ممکن است مورد این نقد قرار بگیرد که مطالب موجود در آن به‌روز نیست و از جامعه امروز ایران و جهان به‌دور است، اما باید این نکته را در نظر داشت که کتاب مورد بحث با توجه به مسائل آن روزها طراحی شده است و می‌توان گفت از عهده انتقال اطلاعات آن زمان به خوبی برآمده است، گرچه از نظر نگارنده کتاب حاضر برای تدریس در این دوره حتماً باید با تغییراتی در ظاهر و متون آن اصلاح شود. برای مثال از آنجا که کتاب برای یادگیرندگان مبتدی طراحی شده است نویسنده می‌توانست از شکل‌ها و تصاویر یا حتی رنگ‌های مختلف برای ایجاد علاقه و دادن فضایی شاداب به کتاب کمک بگیرد ولی چون نویسنده در این کتاب از هیچ تصویری استفاده نکرده ممکن است مانع از تأثیر بیشتر آن در یادگیری و علاقمندسازی مخاطبان شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود نویسندگان متون آموزشی به‌خصوص متون آموزشی برای خارجی‌زبانان تنوع و تفاوت‌های زبان‌ها را در نظر بگیرند و برای پرهیز از پنهان‌کاری تلاش کنند، همچنین نویسندگان در کنار کتاب خود حتماً کتابی را به عنوان کتاب راهنمای معلمان برای راهنمایی معلمان تازه کار در نظر بگیرند تا هم چارچوبی برای معلمان باشد و هم به امور آموزش و یادگیری کمک شود تا بتوانند آنچه را مورد نظرشان است به خوبی در اختیار مخاطبان‌شان قرار دهند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- امامی، مهدی (۱۳۷۰). «ادبیات کودک و فرایند جامعه‌پذیری». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

- بحرانی، محسن (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتب درسی دوره راهنمایی تحصیلی از لحاظ کاربرد مفاهیم جمعیتی». فصلنامه جمعیت، (۴۲)، ۸۶-۶۵.
- جوکار، سمیه (۱۳۹۱). تحلیل انتقادی گفتمان اشعار بهار، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- حیدری تبریزی، حمیدرضا و سید آیت‌الله رزمجو (تابستان ۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۴۸(۱۹۵)، ۱-۳۴.
- رشیدی، ناصر و مریم زارعی (پاییز ۱۳۹۱). «تحلیل انتقادی گفتمان کتاب *Reader's Choice* براساس چارچوب هاج و کرس». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، (۲۶)، ۱۱۸-۹۹.
- شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۸۶). تبیین سازوکارهای مؤلفه‌های جامعه‌پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- صالحی، پریسا، و ناصر نیکوبخت (بهار ۱۳۹۱). «واژه‌گزینی‌های شعری قیصر امین‌پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، (۲۴)، ۹۹-۵۷.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی.
- فتوحی، محمود و محمدافشین وفاپی (پاییز ۱۳۸۷). «تحلیل انتقادی زندگینامه‌های مولوی». مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۴۱(۳)، ۱-۲۷.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و مصطفی گرگی (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکترینون زنتس را بیشتر از مصدق دوست داشت». ادب پژوهی، (۱۷)، ۳۳-۶۳.
- قبادی، حسینعلی، فردوس آقا گل‌زاده و سیدعلی دسپ (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور». فصلنامه نقد ادبی، (۶)، ۱۴۹-۱۸۳.
- کاکاجویاری، علی‌اصغر و ویدا طاهری (۱۳۷۱). حجم مفاهیم ارزشی در کتاب‌های تعلیمات دینی دبستان. تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی.
- کسای، غلامرضا (۱۳۹۱). «بررسی کتاب اندیشه او ۲ از دید تحلیل گفتمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- محسنی، مرتضی (۱۳۸۹). «بازتاب زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی آیات و احادیث در شعر بهار». فصلنامه ادبیات دینی، (۱)، ۱۵۷-۱۷۳.
- معمدنژاد، کاظم و محمد مهدی‌زاده طالشی (۱۳۸۵). «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک تایمز، گاردین، لوموند و دی ولت». فصلنامه علوم اجتماعی، (۳۶)، ۳۵-۱.
- مؤید شیرازی، جعفر (۱۳۷۱). فارسی امروز برای دانشجویان خارجی: کتاب دوم (فارسی دلدیر). شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۲). «پژوهش‌هایی در میزان صراحت یا پوشیدگی پیام در

گزیده سر مقاله‌های روزنامه‌های ایران: رابطه بین ساختارهای گفتمان‌مدار و ساخت‌های زیربنایی فکری - اجتماعی». نامه فرهنگ، ۴۷(۱۲)، ۶۳-۷۵.

یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳)، «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». در لطف‌الله یارمحمدی (ویراستار)، ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی (۹۳-۶۱). تهران: انتشارات هرمس.

یار محمدی، لطف‌الله، مرتضی یمینی و لیلا قنبری (۱۳۸۹). «مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان». مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، (۱)، ۱۴۳-۱۶۶.

- Bhatia, A. (2006). "Critical discourse analysis of political press conferences". *Discourse and Society*, 17(2), 173-203.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. London: Polity Press.
- Izadi, F. & H. Saghaye-Biria (2007). "A Discourse of elite american newspaper editorials: The case of Iran's nuclear program. *Journal of Communication Inquiry*, 31(2), 140-165.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse Analysis* (2nd ed.). Blackwell Publishing Ltd.
- Kohandani, M., N. Farzaneh & M. Kazemi (2014). "International conference on current trends in ELT- A critical analysis of speech acts and language functions in top notch series". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (98), 1009-1015.
- Sahragard, R. & G. Davatgarzadeh (2010). "The representation of social actors in interchange third edition: A critical discourse analysis". *The Journal of Teaching Language skills*, 2(1), 67-89.
- Ven Dijk, T. A. (2003). *Ideology and Discourse Analysis*. Retrieved from <http://www.discourses.org>
- Yarmohammadi, L. N. & Rashidi (2013). *Practical Contrastive Analysis of English and Persian with Special Emphasis on Discourse*. Tehran: Rahnama.